

نگاه

نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه حقوق بشر

محمدرضا خراطی کارشناس ارشد حقوق بشر

● یکی از مهم‌ترین سازوکارهایی که در شکل‌گیری جامعه مدنی نقش مؤثر و فراگیری دارد، نهادها و تشکل‌های غیردولتی است. سازمان‌های غیردولتی (NGO) همان‌طور که از نام آنها پیداست، تشکیلاتی هستند که به‌وسیله مردم و به‌صورت خصوصی به موازات دولت‌ها در جوامع شکل گرفته‌اند. این سازمان‌ها به صورت غیرانتفاعی و عام‌المنفعه در حوزه‌های حقوق بشری مانند حقوق زنان، حقوق شهروندی و حقوق محیط‌زیست و… مشغول به فعالیت هستند.

از یدو شکل‌گیری سازمان‌های مردم‌نهاد در نظام حقوقی ایران، این سازمان‌ها همواره با موانع و محدودیت‌های عیدیه‌ای مواجه بوده‌اند. نداشتن فرهنگ مشارکت سیاسی، وجود قوانین و مقررات محدودکننده، نبود توانایی در راستای شناسایی این نهادها و همچنین وجود ذهنیت‌های منفی مقامات و مسئولان نسبت به این تشکل‌های مردمی، ازجمله موانع و مشکلات سازمان‌های مردم‌نهاد در نظام حقوقی ایران هستند.

شیوه تأسیس، نظارت و جایگاه این تشکل‌های مدنی خود نشان‌دهنده میزان استقلال آنهاست. یکی از نوآوری‌های قانون آیین دادرسی کیفری جدید موضوع سازمان‌های مردم‌نهاد است که قانون‌گذار با شناسایی این تشکل‌های مدنی در ماده ۶۶، به نقش و اهمیت این نهادها در توسعه و حمایت حقوق بشر پی برده است. نخستین گامی که قانون‌گذار در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری برداشته، این است که مقنن در این ماده به صراحت این تشکل‌های مردمی را در حوزه اصل پذیرفته‌شدن نهادهای مردمی و به‌عنوان یک سازوکار حقوق بشری شناسایی کرده است. این در حالی است که تا پیش از تصویب این قانون، شناسایی سازمان‌های غیردولتی به استناد اصل ۲۶ قانون اساسی که احزاب، جمعیت‌ها و تشکل‌ها را شناسایی کرده است، به شکل ضمنی صورت گرفته بود.

علاوه بر شناسایی سازمان‌های مردم‌نهاد در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، قانون‌گذار حقوقی را در این ماده شناسایی کرده که اصلی‌ترین موضوعات و چالش‌های حقوق شهروندی جامعه امروز ایران را شکل می‌دهند. به‌این‌صورت که سازمان‌های مردم‌نهاد براساس ماده ۶۶ در بسیاری از پرونده‌ها مانند حقوق کودک، حقوق زنان، حقوق محیط زیست، بهداشت عمومی، منابع طبیعی، میراث‌فرهنگی، آلودگی هوا و حتی حقوق شهروندی که مدعی‌العموم به دادگی توانایی ورود به این‌گونه پرونده‌ها را ندارد، از این حق برخوردارند که به‌عنوان شاکی در حـوزه اساسنامه تصویبی خود اعلام جرم کرده و از اشخاص حقیقی، حقوقی و حتی از سازمان‌ها و ارگان‌هایی که برای نقض اهداف و موضوعات بیان شده، هستند، به‌عنوان مشتکی‌عنه شکایت کرده و در تمام مراحل دادرسی برای اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای قضائی اعتراض کنند. تبصره سوم در ماده ۶۶، از نقاط ضعف این ماده است که منجر به نقض استقلال و ایجاد محدودیت و پیچیدگی مضاعف در روند ثبت این سازمان‌ها در ایران شده است. در این تبصره قانون‌گذار وزیر دادگستری را مکلف کرده در سه‌ماهه نخست هر سال اساسی سازمان‌های مردم‌نهاد را تهیه کرده و برای تصویب به رئیس قوه قضائیه ارجاع دهد که خود از جمله موضوعات تأمل برانگیز در قانون جدید است. به گونه‌ای که اگر سازمانی در ماه چهارم سال تشکیل شود، برای برخورداری از حقوق خود در ماده ۶۶ باید یک سال برای تصویب این نهاد مردمی صبر کند. به نظر می‌رسد قانون‌گذار باید در اصلاحیه نهایی این قانون به جای سه ماهه نخست هر سال، از سه ماه در طول سال استفاده می‌کرد تا این نقض برطرف می‌شد. سرانجام در تبصره چهارم که در اصلاحیه نهایی به ماده ۶۶ اضافه شد، استثنایی بر این ماده وارد کرد. این تبصره منوط به اجرای اصل ۱۶۵ قانون اساسی و منوط به اجرای ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری است. در اصل ۱۶۵ قانون اساسی بر علیت‌بودن محاکمات تأکید شده است. در مواقعی که به تشخیص دادگاه، جرم برخلاف منافی عفت عمومی باشد، می‌توان دادگاه را غیرعلنی برگزار کرد. علاوه‌براین، قانون‌گذار در ماده ۱۰۲، انجام هرگونه تعقیب و تحقیق در جرائم منافی عفت را ممنوع دانسته است و پرستش از هیچ فردی در این زمینه مجاز ندانسته، مگر در مواردی که جرم در مرئی و منظر عام واقع شده یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته باشد. دراین‌صورت، تعقیب و تحقیق فقط در محدوده شکایت یا اوضاع و احوال مشهود از سوی مقام قضائی صورت می‌گیرد. با توجه به اصل ۱۶۵ قانون اساسی و ماده ۱۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره چهارم ساده ۶۶ این قانون، این‌گونه باید نتیجه گرفت که سازمان‌های مردم‌نهاد در جرائم منافی عفت صرفاً از حق اعلام جرم برخوردارند. این سازمان‌ها باید دلائل خود را به مراجع قضائی ارائه دهند و نیز از حق شرکت در جلسات دادگاه برخوردار نیستند. علاوه‌براین، محاکمات در این جرائم باید به صورت غیرعلنی و صرفاً در صورت ارتکاب در مرئی و منظر عام یا دارای شاکی یا به عنف یا سازمان‌یافته‌بودن تحت تعقیب از سوی مقام قضائی قرار می‌گیرند.



محمدرضا جلالی‌پور

دموکرات‌ها در انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا به خودشان باختند، نه ترامپ. پیروزی جمهوری‌خواهان حاصل «کل به خودی» دموکرات‌ها و چند اشتباه مهم کمپین انتخاباتی‌شان بود. نه توفیق چشمگیر جمهوری‌خواهان. در اغلب تحلیل‌های نتایج این انتخابات به علل کامیابی کمپین ترامپ می‌پردازند. درحالی‌که ترامپ در این انتخابات حتی از میت رامنی، نامزد بازنده جمهوری‌خواهان در سال ۲۰۱۲، هم کمی کمتر رای آورد. در مقابل، هیلاری کلینتون ناکامی چشمگیری در مقایسه با نامزدهای پیشین حزب دموکرات داشت. او از اوبامای ۲۰۰۸، ۹ میلیون و از اوبامای ۲۰۱۲، پنج میلیون کمتر رای آورد. علل پشماربی به این شکست هیلاری کمک کردند، اما به نظر، چهار اشتباه بزرگ از سوی مدیریت حزب دموکرات که در ادامه ذکر می‌کنم، نقش مهم‌تری داشت. اگر حتی از یکی از این اشتباهات پیشگیری می‌شد، به احتمال زیاد پیروزی رضایحه ترامپ اجتناب‌پذیر بود.

۱-انتخاب کلینتون

هیلاری از جهات متعدد کاندیدای اشتباهی برای رقابت با ترامپ بود. انتخاب رئیس‌جمهور (برخلاف سایر نمایندگی‌های سیاسی) بیشتر شبیه دوست‌گزینی است تا انتخاب همکار. جاذبه شخصیت، اعتمادپذیری، صداقت، خوش‌محضر و دوست‌داشتنی‌بودن نامزد و سایر عوامل عاطفی سهمی بزرگ در توفیق کمپین انتخاباتی رؤسای دولت‌ها دارد. دوست‌داشتنی و جذاب‌نبودن نامزد انتخاباتی (لااقل در نظر بخشی از جامعه) با هیچ دویینگ انتخاباتی دیگری جبران‌پذیر نیست؛ به‌ویژه در انتخابات ملی با ترکیب متکثر سطح ریاست‌جمهوری تلویزیون‌محور شده است. امروز دشواری در بازه زمانی نسبتاً طولانی ده‌ها ساعت از طریق تبلیغات، منظره‌ها، اخبار و شوهای طنز تلویزیونی، با نامزد انتخاباتی‌شان وقت صرف می‌کنند و جاذبه‌های شخصیتی نامزد اهمیت بیشتری پیدا کرده است. عوامل دیگری همچون شعارهای انتخاباتی مؤثر و باورپذیر، برنامه‌های سنجیده برای بسط خیر همگانی و پاسخ به مطالبات رای‌دهندگان، حمایت متخصصان و روشنفکران، مدیریت طرازاوول کمپین، بدنه بزرگ کمپین‌های سازمان‌یافته، خلاقیت تبلیغاتی، بهره‌گیری از فناوری‌های نو و تبلیغات مردم‌محور، امکانات مالی کمپین و حمایت رسانه‌های بزرگ و مشاهیر محبوب موسیقی و سینما که در هم‌ماش کمپین هیلاری بسیار قوی و حرفه‌ای بود و کمپین ترامپ بسیار ضعیف) همه شبیه صفرهایی هستند که اگر در برابر عدد یک شخصیت دوست‌داشتنی نامزد- ریاست‌جمهوری قرار گیرند، ارزشمند و کارسازند و اگر در مقابل صفر شخصیت نامحبوب امثال هیلاری گذاشته شوند، ارزش و تأثیر چندانی پیدا نمی‌کنند.

نظرسنجی‌ها از یک‌سال پیش از انتخابات نشان می‌داد میزان اعتماد به هیلاری و صداقت او حتی از ترامپ هم کمتر است. درصد آمریکایی‌هایی که ترامپ را دوست نداشتند هم بسیار بالا بود (حدود ۶۰ درصد)، اما دموکرات‌ها بگانه نامزدی را که به اندازه او نامحبوب بود – هیلاری – در مقابلش قرار دادند. هیلاری بیش از دو دهه است (از همان سال‌هایی که بانون اول بود) هر سال در نظرسنجی‌ها از نامحبوب‌ترین چهره‌های سیاسی آمریکا می‌شود. تا جایی‌که امروز ۷۰ درصد آمریکایی‌ها او را ناصادق و غیرقابل اعتماد می‌دانند. رای سلبی علیه کلینتون حتی ۱۲درصد بیشتر از رای سلبی علیه ترامپ بود. در دوره تبلیغات هم هیلاری چندان نوانست با شهروندان در سطحي شخصی و عاطفی ارتباط مؤثر برقرار کند. نامحبویت و عدم اعتماد وسیع به شخصیت‌های سیاسی‌ای که چند دهه در معرض داوری عمومی بوده‌اند، در کوتاهمدت جبران‌پذیر نیست. اینکه هیلاری دوست‌داشتنی نبود، دلی را گرم کرد و بخش بزرگی از جامعه او را از نظر اخلاقی و اقتصادی چندان سالم نمی‌دانست، بر کاهش انگیزه و انرژی حامیان او برای تبلیغ خانه‌به‌خانه، تلفنی و در شبکه‌های اجتماعی نیز تأثیر گذاشت؛ درست برعکس سدنرز با اوباما که حامیان‌شان به‌شدت آنها را دوست و قبول داشتند و برای تبلیغات میدانی به نفع آنها باانگیزه بودند.

از سوی دیگر، از حدود یک سال پیش از انتخابات روشن بود نامزدهای محبوب‌تر جمهوری‌خواه با شعارهای تند ضد نظم موجود کمپین می‌کنند و بخشی از جامعه آمریکا که رای‌اش در این انتخابات تعیین‌کننده است، بسیار ناراضی و خشمگین است. ۷۲درصد رای‌دهندگان معتقد بودند اقتصاد حاکم به ضرر فردستان و به‌کم فراستان سامان یافته‌است. ۶۸درصد

ادامه از صفحه ۶

الان شما ببینید، امید و اعتدال که حزب نبودند. همه احزاب و جریان‌های مهسو آمدند با هم ائتلاف کردند و صد و شصت و اندی نماینده را به مجلس فرستادند. اما وقتی روز رای‌گیری رسید، ۱۱۰ نفر هم رای ندادند. چرا این‌طور می‌شود؟ چون این لیست امید، از یک حزب درنیامد. بود. اگر لیست یک حزب بود، آن حزب نماینده‌اش را بازخواست می‌کرد. نماینده باید مقید به تصمیمات سیاسی مجموعه حزب باشد. الان در آمریکا یک نفر نمی‌تواند به عنوان کاندیدی جمهوری‌خواهان به مجلس برود و به نفع دموکرات‌ها رای دهد. اما اینجا می‌بینیم افراد امروز با این جریان هستند، فردا با یک جریان دیگر و روز بعد پشت سر یک فرد دیگر حرکت می‌کنند. چون این روش هم در مناسبات سیاسی کشور ما، کم‌هزینه‌تر است و هم نیاز به پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری ندارد. تا وقتی هم که رویکرد واقعی حزبی در کشور شکل نگیرد، نه مجلس واقعاً کار خودش را انجام

دیپلماسی



چهار اشتباه بزرگ کمپین دموکرات‌ها

در برابر ترامپ واحمدی‌نژاد نباید هاشمی و کلینتون گذاشت

هم معتقد بودند احزاب بزرگ غمخوار مردم عادی نیستند، در چنین بستری از نارضایتی انباشته از نخبگان حاکم، قرار دادن «نماد نظم موجود» در برابر نامزدی که ضدنظم موجود است، خطایی سهمگین بود. در برابر ترامپ‌ها و احمدی‌نژادهای معترض به هیات حاکمه و سوار بر امواج نارضایتی، نباید هاشمی‌ها و کلینتون‌هایی را که در افکار عمومی مشهورترین نمادهای وضعیت مستقرند، گذاشت. چهره‌هایی همچون برنی سندرز، جو بایدن و الیزابت وارن که محبوبیت بیشتری داشتند، صادق و اعتمادپذیرتر محسوب می‌شدند و نماد نظم مستقر نبودند، می‌توانستند در همین انتخابات ترامپ را شکست دهند. فقط کافی بود با نامزدی محبوب‌تر و اعتمادپذیرتر، مشارکت در انتخابات (که در این دوره چهار درصد کمتر از ۲۰۰۸ بود) فقط نیم‌درصد افزایش پیدا کند تا شاهد مصیبت عظمای پیروزی ترامپ باشیم. نتیجه این انتخابات را آمریکایی‌هایی تغییر دادند که در ۲۰۱۲ به اوباما رای داده بودند و این‌بار نامحبوب‌بودن هیلاری باعث شد در انتخابات شرکت نکنند یا به ترامپ رای دهند.

۲-تخریب جانسون

حدود سه ماه پیش، نامزدهای احزاب سوم محبوب‌تر بودند. حامیان گری جانسون، نامزد حزب راست‌گرای لیبرترین، حدود ۱۰ درصد و حامیان جیل اشتاین، نامزد حزب چپ‌گرای سبز، تقریباً سه درصد رای‌دهندگان را تشکیل می‌دادند، اما به‌یک‌باره کمپین هیلاری و رسانه‌های لیبرال حمله سنگینی را علیه جانسون و احزاب سوم آغاز کردند؛ با این تصور اشتباه که آرایی که از جانسون و اشتاین ریزش می‌کند، بیش از اینکه به سید رای ترامپ ریخته شود بر رای هیلاری خواهد افزود. غافل از اینکه اولا جانسون راست‌گرا حدود سه‌برابر اشتاین چپ‌گرا رای داشت و ثانیاً محور کمپین جانسون «اقتصاد» و مالیات کمتر بود (و نه آزادی‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاست خارجی). می‌شد پیش‌بینی کرد که تخریب و زدن جانسون بیشتر به‌نفع ترامپ (که از نظر اقتصادی به حامیان او نزدیک‌تر بود) تمام می‌شود. تحولات بعدی هم نشان داد این حمله و ریزش آرای جانسون چقدر برای کمپین هیلاری پرهزینه شد. بلافاصله بعد از شروع حمله کمپین هیلاری و رسانه‌های لیبرال و جریان اصلی علیه شخص جانسون و احزاب سوم، با شبیی تند از آرای جانسون کم و به آرای ترامپ اضافه شد.

تحلیل تغییرات منحنی آرای نامزدها نشان می‌دهد هیلاری حاکتر فقط یک درصد از رای جانسون را جذب کرد و ترامپ حداقل چهار درصد از آرای او را (احدود چهاربرابر هیلاری). ترامپ در رشد چنددرصدی رایش در هفته آخر بیش از اینکه از حامیان هیلاری و مرددها جذب کند، از حامیان جانسون جذب کرد. فقط یک درصد از آرای اشتاین هم به سمت هیلاری ریزش کرد در انتخابات دو درصد رای آورد. استراتژی دوستانه‌تر این بود که دموکرات‌ها اتفاقاً جانسون را تقویت کنند تا آرای بیشتری را از طرف راست از بدنه رای ترامپ جدا کنند. فقط کافی بود یک درصد از حداقل چهاردرصدی شبکه‌های اجتماعی نیز تأثیر گذاشت؛ درست برعکس سدنرز با اوباما که حامیان‌شان به‌شدت آنها را دوست و قبول داشتند و برای تبلیغات میدانی به نفع آنها باانگیزه بودند.

۳-فقدان هسته عاطفی مؤثر در تبلیغات انتخاباتی

برخلاف باور عمومی و براساس مطالعات تجربی پرشمار در انتخابات‌پژوهی، رای بخش بزرگی از جامعه بیش از اینکه انتخابی «قلانی» باشد، انتخابی «عاطفی» است. رای‌دهندگان فقط با «عقل» استدلال‌گر

می‌کردند. نتیجه اینکه بر اساس نظرسنجی‌های روز انتخابات نیویورک‌تایمز، درصد دموکرات‌هایی که به ترامپ رای دادند بیشتر از درصد جمهوری‌خواهانی بود که به هیلاری رای دادند. فقط کافی بود در چهار ایالت کوچک تعیین‌کننده، از هر صدنفری که به ترامپ رای دادند، یک نفر به هیلاری رای بدهد تا ۷۵ رای ال‌کنترال از ترامپ کم و به هیلاری اضافه و او پیروز شود یا اگر هیلاری فقط ۶۰ هزار نفر از حامیان سابقا دموکراتِ ترامپ را در ویسکانسین، پنسیلوانیا و میشیگان جذب می‌کرد، دموکرات‌ها می‌بردند.

در این انتخابات رقابت تعیین‌کننده کمتر بر سر موضوعات فرهنگی و مذهبی (ازجمله نژادپرستی، سقط جنین و حقوق اقلیت‌های جنسی) و بیشتر بر سر «اقتصاد» بود و دموکرات‌ها در این رقابت باختند. رای ترامپ هم مثل اردوغان، احمدی‌نژاد، ووتین و برگزیت بیشتر برگرفته از شهرهای کوچک و روستاها بود و بخشی از این رای (شاید کوچک ولی تعیین‌کننده) جذب‌شدنی بود. دموکرات‌های آمریکا در ۲۰۱۶ هم مثل اصلاح‌طلبان ایران در سال ۱۳۸۴ و احزاب اصلی انگلستان در برگزیت ۲۰۱۶ نتوانستند اعتماد بخشی از فرودستان اقتصادی جامعه‌شان را به دست بیاورند، مسائل‌شان را جدی بگیرند، صدایشان شوند و نمایندگی‌شان را کسب کنند. در مقابل، ترامپ در جذب و بسیج مردم‌های بخشی از سفیدپوستان کم‌تحصیلات و کم‌درآمد آمریکای میانه و شمالی که حس می‌کردند دیده و شنیده نمی‌شوند و پیش‌از‌این‌به اوباما رای داده بودند یا اساساً رای نمی‌دادند موفق بود. تمرکز هیلاری در هفته‌های آخر بر «نقد شخصیت» ترامپ بود، درحالی‌که خود هیلاری از این منظر در افکار عمومی جایگزین جذابی محسوب نمی‌شد. بهتر بود کمپین دموکرات‌ها به‌جای شخصیت ترامپ روی «نقد سیاست‌های اقتصادی» ترامپ (که به ضرر همین افشار فرودست تمام می‌شود)، مطالبات مردم‌های ناراضی و قانع‌کردن بخش بزرگ‌تری از رتگین‌پوستانی که به شوهرش و اوباما رای داده بودند تمرکز می‌کرد.

عوامل دیگری مثل محرومیت غیرعادلانه شش میلیون آمریکایی از رای‌دادن به خاطر سوابق مجرمیت (که اکثرشان در مناطق حامی دموکرات‌ها زندگی می‌کنند)، نظام انتخاباتی قرن هجدهمی مبتنی بر آرای ال‌کنترال ایالت‌ها و این قاعده که برنده هر ایالت کل آرای ال‌کنترال را ایالت را می‌برد (که براساس این هیلاری

در ۲۰۱۶ و ال‌گور در ۲۰۰۴، با وجود رای بیشتری که از آمریکایی‌ها گرفته بودند، شکست خوردند)؛ وابستگی بیشتر حزب دموکرات به سرمایه‌های بزرگ سوپریک‌ها و وال‌استریت و بنگاه‌های مالی بزرگ و فاصله‌گیری‌اش از سرمایه‌های کوچک مردمی و اتحادیه‌های کارگری؛ کارشنده‌ی با منفی قدرتمند و انگیزاننده صورت‌پذی (از جمله لای وازمن، رئیس کمیته ملی حزب دموکرات) علیه برنی سندرز (که از موانع پیروزی او در رقابت‌های مقدماتی شد)؛ دخالت اف‌بی‌آی و ویکی لیکس در رسوایی‌های ایمیلی هیلاری؛ اینکه جامعه آمریکا معمولاً بیش از دو دوره متوالی کاخ سفید را به یک حزب منت دهد؛ خشنکی آمریکایی‌ها از رای‌یاست‌های خاندانی بوش‌ها و کلینتون‌ها و پوشش وسیع رسانه‌های لیبرال و جریان اصلی به ترامپ در مرحله مقدماتی (که ویکی‌لیکس فاش کرد طبق خواسته مدیران کمپین هیلاری و آگاهانه انجام شده)؛ ترس بخشی از جامعه آمریکا از سرعت تحولات فرهنگی و اجتماعی و فشار محوری کمپین هیلاری «هیلاری برای آمریکا» و «من با او هستم»؛ نیز در مقایسه با شعار مؤثر ترامپ («عظمت‌بخشی دوباره به آمریکا») چنگی به دل نمی‌زد و شوق و حرکتی نمی‌انگیخت. اساساً شخصیت هیلاری (به‌نسبت برنی سندرز) چندان ظرفیت استفاده از عواطف مثبت و پیام‌های انگیزاننده را نداشت.

۴-تخفیر و تخفیف حامیان ترامپ

برای تحلیل شکست هیلاری باید به نقشه آمریکا نگاه کرد و نه نظرسنجی‌های ملی. در هفته‌های پایانی، ترامپ رای بخشی از جمعیت کم‌تحصیلات و سابقاً دموکرات در ایالت‌های صنعتی شمال آمریکا (ویسکانسین، پنسیلوانیا و میشیگان) را جذب کرد، اما تبلیغات محسوری هیلاری به راضیانیه که بازنده صنعتی‌زدایی و حمایت‌شدن در این ایالت‌ها بودند امید

نی‌داد. کمپین دموکرات‌ها و رسانه‌هایشان نه تنها تلاش مؤثری برای بازپس‌گیری این رای‌های تعیین‌کننده نکردند، بلکه با تحقیر و تمسخر مستمر حامیان ترامپ، آنها را در حمایت از ترامپ راسخ‌تر کردند. هیلاری تنها به مسائل واقعی بخشی از حامیان ترامپ که قابل‌جذب بودند توجه مؤثر نکرد، بلکه نیمی از آنها را «مشتی رقت‌انگیز» خواند و به‌جای جذب، دفعشان کرد و به آنها انگیزه بیشتر برای تبلیغ به سود ترامپ داد. در اجتماعات انتخاباتی حامی ترامپ، شبکه‌های اجتماعی و برنامه‌های پر مخاطب طنز سیاسی در شبکه‌های تلویزیونی، حامیان کلینتون به‌جای افناع مشفقانه حامیان ترامپ، آنها را اغلب تحقیف و تحقیر می‌کردند.

می‌دهد و نه حتی در داخل مجلس کمیسوین‌های واقعی شکل می‌گیرد. در ابتدای کار همین مجلس دیدید که کمیسوین‌ها چگونه شکل گرفت. هیچ کدام از عضوگیری‌هایی که در کمیسوین‌ها انجام شد با مطالعه نبود و بیشتر مبتنی بر لابی‌های افراد بود. حالا بعد از شکل‌گیری فراکسیون امید چند مورد کار دهفتمند در رای اعتماد وزرا و رای‌گیری نمایندگان مجلس در مجموع و مشوراها انجام شد که خوب بود. با هر جریان رای به تحقیق‌وتقصن صندوق ذخیره فرهنگیان و مبارزه با فساد، همه مجلس یکپارچه عمل کردند و خوب بود. ولی ای کاش اینها حزبی انجام می‌شد. الان در هیئت نظارت بر انتخابات شوراها هم اصلاح‌طلبان توانستند رای اکثریت را بیاورند و همیشه هم وقتی کار دست اصولگراها بوده، اقدام به رد صلاحیت کردند و نتیجه‌اش را هم در وضعیت فعلی شوراها می‌بینیم. اما اصلاح‌طلبان اصولاً روش حذفی ندارند و می‌توانیم منتظر انتخاباتی با حضور همه باشیم.

کوتاه دیپلماسی

نکات مهم پیاده‌روی اربعین حسینی برای زائران

● **فارس:** میرمسعود حسینیان، سرکنسولگر ایران در شهر مقدس کربلا، به بیان مهم‌ترین نکات درخورتوجه زائران اربعین امام حسین(ع) پرداخت و از آنها خواست نهایت همکاری را برای هرچه‌بتر برگزارشدن این مراسم عظیم به عمل آورند. لزوم اخذ روادید، رعایت قوانین کشور عراق، رعایت بهداشت و تحمل مشکلات احتمالی از مسائل مهمی است که زائران اربعین حسینی باید رعایت کنند.

رئیس شورای فدراسیون روسیه درتهران

● **ایرنا:** «والنتینا ماتوینیکو» رئیس شورای فدراسیون روسیه روز گذشته در صدر یک هیات پارلمانی به تهران آمد تا با مقامات ارشد کشورمان گفت‌وگو کند. این سفر نخستین برنامه مذاکرات بلندپایه‌ترین مقام روسیه پس از دیدار آذره‌ما سال گذشته «ولادیمیر پوتین» رئیس‌جمهوری این کشور با مقام معظم رهبری، حسن روحانی رئیس‌جمهوری و شرکت در نشست سران کشورهای گازی در تهران است. «ماکسیم سوسلو» وابسته مطبوعاتی سفارت روسیه پیش از آغاز این سفر گفت: «بیشتر روابط پارلمانی، همکاری‌های دوجانبه و همچنین افزایش هم‌گرایی در خاورمیانه به‌ویژه برای مبارزه با تروریسم ضروری در مذاکرات تهران مطرح می‌شود». «ویکتور اوزوفوف» رئیس کمیسیون امنیت دفاعی شورای فدراسیون روسیه و شماری از مقام‌های پارلمانی و همچنین اعضای این شورا ماتوینیکو را در سفر به ایران همراهی می‌کنند. او پیش از این سفر گفت: «افزایش روابط با جمهوری اسلامی از جمله مسائل مربوط به همکاری‌ها در عرصه انرژی هسته‌ای در مذاکرات تهران بررسی می‌شود».

دیدار ظرفرف با مقامات مجارستان وعراق

● **مرکز دیپلماسی رسانه‌ای وزارت امور خارجه:** خضیر الخزاغی، معاون دبیرکل حزب الدعوه عراق و معاون سابق رئیس‌جمهور این کشور دیروز میهمان محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران بود و ضمن ارائه گزارشی از آخرین تحولات سیاسی در عراق و جنگ علیه تروریست‌های داعش، دربارهٔ مسائل منطقه‌ای تبادل نظر کرد. گفتنی است ظریف روز گذشته میزبان رئیس مجلس مجارستان نیز بود و با او درباره روابط دوجانبه گفت‌وگو کرد.

کیسینجر:

برهم‌زدن برجام به نفع ایران است

● **فارس:** هنری کیسینجر، وزیر خارجه اسبق آمریکا، درباره انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید آمریکا در یک گزارش‌دهایی در شهر نیویورک گفت: بزرگ‌ترین چالش‌خاورمیانه «فرمانروایی احتمالی ایران بر منطقه است». او با اشاره به انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد که پیروزی ترامپ در مقابل هیلاری کلینتون یک «انقلاب علیه عقل متعارف» است. کیسینجر همچنین ضمن آنکه ایران را «میدالیست و جهان‌شمار» گفت، «آمریکا باید به‌وضوح مشخص کند که ما مخالف گسترش ارضی ایران هستیم و آنچه از ایران می‌خواهیم این است که مثل یک ملت و نه سلبلیون عمل کند». او در ارتباط با سرنوشت برجام در دولت ترامپ با بیان اینکه «دورانداختن توافق هسته‌ای ایران و ۵+۱ بیش از آنکه به نفع آمریکا باشد، به نفع ایران است» گفت: «من چنین توافقی را حاصل نکردم اما پایان‌دادن به آن درحال‌حاضر، معامله بزرگ و مهمی را برای ما حاصل نمی‌کند».

وزیردفاع چین درتهران

● **ایلنا:** سپهد چانگ بران کوان، وزیر دفاع جمهوری خلق چین، صبح دیروز برای انجام سفری سه‌روزه وارد تهران شد. او که به دعوت رسمی سردار حسن دهقان، وزیر دفاع جمهوری اسلامی ایران، به تهران سفر کرده، در این سفر علاوه بر دیدار و مذاکره با وزیر دفاع کشورمان با مقامات بلندپایه سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی ایران نیز دیدار و درباره مسائل دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی گفت‌وگو می‌کند.

فوت‌۵ زائر ایرانی درعراق

● **ایرنا:** پنج زائر ایرانی عتبات عالیات در دو حادثه جداگانه در عراق جان باختند. سه نفر از آنها روز شنبه بر اثر آژدحام جمعیت و کوهلوت سن در شهر کوت مرکز استان واسط عراق جان به جان‌آفرین تسلیم کردند. دو نفر از آنها نیز روز پنجشنبه ۲۰ آبان سال جاری، بر اثر برخورد یک دستگاه وانت حامل کپسول‌های گاز با یک دستگاه خودروی ون حامل زائران ایرانی که در کنار جاده پارک شده بود، جان باختند. این خودرو حامل زائران ایرانی در مسیر مهران به سمت نهماینه عراق در حال حرکت بود. دو رشنرین ون فوت‌شده که از زائران ایرانی بودند، در کران جاده مشغول تعویض لاستیک این خودرو بودند که هنگام واژگونی خودرو وات، بر اثر سقوط کپسول‌های گاز بر روی آنها جان باختند.